



«مطالعه نمادشناسانه نقوش منسوجات ساسانی»

دکتر علی محمودی عالمی^۱

۱. استادیار گروه هنر دانشگاه مارلیک نوشهر

مرضیه شوندی*^۲

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد گروه هنر موسسه آموزش عالی مارلیک، نوشهر، ایرانسمت

چکیده

منسوجات ساسانی یکی از محصولاتی بودند که بسیار تبادل می شدند و علاوه بر ارزش تجاری، ارزش سیاسی زیادی به عنوان هدایای سلطنتی داشتند. یکی از دلایل مهم ارزش منسوجات ساسانی وجود نقوش بدیع و خالقیت در آفرینش طرح ها و نقوشی بود که بر روی کارگاه های پارچه بافی سایر کشورها تاثیر گذاشته بود. همین مبادلات، از روش های مهاجرت نقوش و طرح های ساسانی به اقصی نقاط جهان آن روزگار بود، نقوش حیوانی، گیاهی، هندسی و صحنه های شکار شاهی عموماً در نقوش دایره ای شکل مدالیون ها محصور شده بودند. این محصولات یکی از محورهای اصلی اقتصادی را تشکیل می دادند که همزمان تولید و تجاری سازی را تحت کنترل در می آورد. یکی از شاخصه های مهم منسوجات ساسانی، نقوش تزئینی بکار رفته در آن است که تاثیر عمیقی بر هنر دوره های مختلف تاریخی بعد از خود گذاشته است. از این جمله می توان به دوره های سامانی، اوایل اسلام، آل بویه و ... اشاره کرد. در این پژوهش، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با جمع آوری اطلاعات اسنادی، و با استناد به منابع کتابخانه ای و تصویری، به بررسی نمادشناسانه منسوجات دوره ی ساسانی پرداخته شده است.

واژه کلیدی

ساسانی، نقوش، منسوجات، نماد



۱- مقدمه

در این تحقیق به طور مختصر به بررسی نمادشناسانه ی نقوش پارچه های دوره ی ساسانی میپردازیم و به تجزیه و تحلیل انواع مختلف نقوش مورد استفاده در پارچه ها می پردازیم که شامل نقوش انسانی و گیاهی و حیوانی می باشد. به جهت اهمیتی که نقوش دوره ی ساسانی دارد به تحقیق درباره آن تصمیم گرفتیم. ما در اینجا تلاش کردیم بر مبنای نوشته های پیشینی که نویسندگان در این زمینه انجام داده اند نقوش پارچه های ساسانی را مختصراً بررسی کنیم در نتیجه به کتاب ها و منابع اینترنتی از جمله کتاب گیرشمن (هنر ایران در دوران پارتی و ساسانی) و کتاب محمد رضا ریاضی (طرح ها و نقوش لباس ها و بافته های ساسانی) تمرکز کردیم تا هم نقوش به کار برده شده و هم به بررسی ویژگی های نقوش پارچه های ساسانی بپردازیم. یکی از دیداری ترین و در عین حال زنده ترین نمونه های حیات فرهنگی یک جامعه، پوشاک و نوع لباس مردم آن جامعه است. آشنایی با تاریخ لباس و پوشاک ایرانیان، نه تنها اطلاعاتی در خصوص ظاهر مردمانی که در ادوار مختلف تاریخی زندگی می کرده اند در اختیارمان می گذارد، بلکه ما را با انواع سلیقه ها، نوع دوخت و رنگ، مدل های مختلف لباس، بافت انواع پارچه ها، صادرات و واردات پوشاک، تأثیر پذیری و تقلید از لباس مردمان نواحی دیگر، اختصاص پوشاک خاص به گروه یا طبقه ای اجتماعی آشنا می سازد و همچنین درباره چگونگی روند و تکامل انواع پوشش ها، اطلاعات مفید و جالب توجهی ارائه می نماید. رواج پارچه هایی با نقش های پیچیده گیاهی و جانوری از اواسط دوره ساسانی به بعد وجود دستگاه های پیشرفته را تایید میکند. این بافته ها که نمونه هایی از آن تا به امروز باقی مانده، نشان می دهد که در سده سوم میلادی از دستگاه های چله کشی استفاده می شده است. مطالعه آزمایشگاهی بر روی پارچه های مکشوفه از محوطه باستانی صداحیه در کنار رود فرات وجود دستگاههای چند تارکش و چله کش را تایید کرده است. افزون بر این، بافت پارچه های با عرض ۸۵ سانتی متر در ایران در مقایسه با پارچه های چینی با عرض ۵۰ سانتی متر نشان برتری فنون بافندگی در ایران نسبت به چین و سوریه در جهان آن روز است (شجاعی قادیکلایی، حسین، ۱۳۹۷: ۱۳۱) خوشبختانه مدارک مادی فراوانی به صورت دهها قطعه پارچه از دوره ساسانی در دست است و مطالب فراوانی درباره آنها به رشته تحریر در آمده است. اما طرحها و نقوش پوشاک شخصیت های حجاری شده در طاق بستان نه تنها جز اصیل ترین مدارک محسوب می شوند، بلکه افق بسیار گسترده ای را از فهرست طرحها و نقوش دوره ساسانی فراهم می آورد (غدیری میترا، ۱۳۸۵: ۷۸).

پژوهشگران مختلفی نمادهای نقوش هنری دوره ساسانی را مورد بررسی قرار داده و کتاب هایی در رابطه با این موضوع نوشته شده است. مهمترین اثر در این حوزه کتاب طرح ها و نقوش لباس ها و بافته های ساسانی محمد رضا ریاضی (۱۳۸۲) است. نویسنده در این اثر نقوش پارچه های ساسانی را در سنگ نگاره های تاق بستان و نقاشی های دیواری ماوراءالنهر مطالعه کرده است. همچنین کتاب هنر ایران در دوران پارتی و ساسانی (رومن گیرشمن ۱۳۵۰) این پژوهش با رویکردی تاریخی به انجام رسیده و از لحاظ محتوا، تحلیلی توصیفی است و روش جمع آوری اطلاعات و مطالب به صورت کتابخانه ای و اسنادی می باشد ابزار گردآوری به طریقه تهیه فیش کپی اسکن و عکسبرداری از عکس های مربوطه می باشد.



منابع بررسی نقوش پارچه های ساسانی

الف- حدود شصت نمونه باقیمانده از پارچه های ساسانی که هیچ کدام نیز در داخل ایران موجود نیست

ب- نقش برجسته های تاق بستان و نقاشی های ماورالنهر

ج- ظروف فلزی باقی مانده از دوره ساسانی

د- نقش سکه های باقی مانده از عهد ساسانی

ه- آثار موزائیکی بیشاپور و- نقاشی های دیواری شوش، تیسفون و^۱...

۲- پیشینه ی تاریخی و معرفی دوره ی ساسانی

سلسله ساسانی که نامش را از ساسان موبد موبدان معبد آناهیتا در استخر گرفته از سده سوم تا سده هفتم میلادی در ایران حاکم بود. ساسانیان با وجود بحران های بزرگ اواخر سده سوم جنگ با رومیان و بحران های قرن پنجم (جنگ با هپتالیان، خشکسالی و...) توانستند تاج و تخت خود را بیش از ۴۰۰ سال حفظ کنند. دوره های اوج امپراتوری آن ها زمان سلطنت اردشیر یکم و پسرش شاپور یکم و پادشاهی شاپور دوم در قرن چهارم و خسرو یکم (انوشیروان) در سده ششم میلادی بود. ساسانیان به عنوان فرمانروایان تمام عیار ایرانی جایگاهی ویژه در میان سایر ملل و اقوام به دست آورده بودند و در حماسه فردوسی و اشعار نظامی و نیز در تاریخ های مورخان اسلامی و قصه های مردمی جاودانه شدند. هنر ساسانی هنری درباری بود که همیشه در پی اثبات ارتباط و پیوندش با سنن هنری دوره هخامنشی بود. با این همه این هنر دست کم در آغاز پیدایش خود بسیار تحت تاثیر فرهنگ اشکانی بود به این دلیل که هنر و فرهنگ اشکانی در دوره پسین خویش بیشتر خصلت و ویژگی ایرانی پیدا کرده بود. آثار هنری و صنایع دستی ساسانیان خواستاران زیادی در عرصه هنر جهانی داشت.^۲

۳- نماد

ابتدا الزم است بدانیم نماد چیست؟ نماد، عدد رمز است، تنها وسیله گفتن چیزی است که به طریقه دیگر قابل فهم نیست. نماد هرگز به یک صورت بیان نمیشود، بلکه هر بار باید کشف رمز شود. نماد، شیء بی جان یا موجود جاندار است که هم خودش است و هم مظهر مفاهیمی فراتر از خودش. اگر چه نماد به معنی نشانه است، تفاوت

^۱ https://research.iaun.ac.ir/pd/mojabi/pdfs/UploadFile_2948.pdf

^۲ <http://www.beytoote.com> صفحه ی اول، فلز کاری دوره ی ساسانی.



آن با نشانه در آن است که نشانه مفهوم ساده و واحدی را می‌رساند؛ مثل علائم رانندگی یا پرچم. دریافت پیام چنین نشانه‌هایی نیاز به بسترسازی و متن خاصی ندارد و از این رو نشانه از جهت انتقال پیام خودکفاست اما دریافت پیام نماد و نوع آن پیام به متن یا عوامل پیرامون آن بستگی دارد؛ برای مثال، تندیس دست بریده در مذهب شیعه هم نشانه و مظهر دست بریده حضرت ابوالفضل در واقعه کربلاست و هم مظهر مظلومیت تشیع. این مفهوم دوم در بستر تاریخ تشیع قابل دریافت است.³

استفاده از نقش بعضی از پرندگان و جانوران نیز مانند سیمرغ، خروس، طاووس، عقاب، شیر و گراز نیز به عنوان عناصر نمادین مورد توجه بوده است. از نمادهای حیوانی میتوان سیمرغ را نام برد در یک داستان قدیمی ایرانی آمده که سیمرغ قبل از اینکه خودش را در آتش بیندازد ۱۷۰۰ سال عمر میکند و نقل قولی دیگر هست که او تا ابد زندگی میکند. در اروپا نمونه‌هایی از پارچه‌های ایرانی دوره ی ساسانیان هست که بیشتر آنها را در جنگ‌های صلیبی جنگ جویان عیسوی از فلسطین به اروپا برده اند. این پارچه‌ها در نظر جنگ جویان صلیبی چنان قدر و قیمت داشته که یا اشیاء متبرک کلیسا را در آنها پیچیده اند یا اینکه به عنوان کفن با خود به گور برده اند و امروز برخی از آنها در خزانه‌های کلیساها باقی است یا اینکه از آنجا به موزه‌ها برده اند. (نفیسی، ۱۳۸۳: ۲۲۹) در نقش برجسته‌های زمان ساسانیان نزدیک بیست و پنج نوع مختلف پارچه دیده می‌شود و در موزه‌های اروپا و هندوستان بیش از شصت نوع پارچه از آن زمان باقی مانده و این خود تنوع پارچه‌ها را در آن دوره می‌رساند. (نفیسی، ۱۳۸۳: ۲۳۵). علاوه بر این آثار باقی مانده، منابع مختلف دیگری جهت بررسی منسوجات ساسانی وجود دارد که تعداد زیادی از آنها در محوطه‌های باستانی طاق بستان، شوش، تیسفون، بیشاپور، قلعه یزدگرد، چال ترخان در نزدیکی ری، تپه حصار و کوه خواجه بدست آمده است. کهن‌ترین سند ما نقاشی دیواری شوش است که متعلق به نیمه اول قرن چهارم میلادی است و در آن لباس رنگارنگ سوار با نخهای زرین بافته شده و دارای شبکه‌های لوزی شکل و تزیین اشکال هندسی است. (گیرشمن، ۱۳۵۰: ۲۲۶). بیشترین مشخصه ی هنر ساسانی نقوش تزئینی آن است که تاثیر عمیقی بر هنر دیگر کشورها گذاشته است. نقوش بافته‌های ساسانی را گاه موضوعاتی از قبیل نمایش شاه و یا بزرگان در حال شکار حیوانات وحشی، جنگ و ... تشکیل می‌دادند که اکثر آنها در قاب بندی‌های دایره وار (جدا یا مماس) و یا هندسی که توسط گره‌هایی به هم می‌پیوستند محصور می‌شدند. (فربود و پورجعفر، ۱۳۸۶: ۶۵). بهترین ویژگی منسوجات ساسانی را همین دایره‌های چسبیده یا جدا از هم میدانند که به دایره های چرخ وار معروفند. تکثیر نقوش ساسانی در درون این کادرهای دایره‌ای قرار دارند. (گیرشمن، ۱۳۵۰: ۲۲۷).

نقوش انسانی

³ <https://www.roshdmag.ir/fa/article/>



وجود شخصیت های انسانی در پارچه های دوره ساسانی نادر است، به جز تعدادی از آن ها که صحنه های شکار را نمایش می دهند و معمولاً در آن ها نیز نمایش افراد مشهور دیده می شود، در عین حال شاه محور نقوش انسانی در پارچه ها بود. نقوش انسانی از مضامین آن دوره هستند که اغلب در زمینه دارای تزیینات دایره وار بودند و علاوه بر این در متن آن ها طرح های بزرگی تصویر شده است. نقش شاه در شکار یا نبرد با حیوانات وحشی قرار دارد و جزو نقش های مهم انسانی



است (گیرشمن^۴، 1370:301).

تصویر ۱. پارچه با نقش انسانی دوره ساسانی مأخذ: (دادور و حدیدی، ۱۳۹۳: ۲)



حیوانات از جمله پدیده ها هستند که پیوندی دیرینه و ناگسستنی با زندگی انسان برقرار کرده اند. در به تصویر در آوردن حیوانات در ایران باستان، دو گرایش به چشم میخورد. موضوع تصویر شده از حالت کامل واقع گرایانه ای برخوردار بود و از طرفی وقتی نقش مایه کامل واضح و آشکار نبود به شکلی کاملاً منظم و در عین حال خشک و رسمی ترسیم میشد که در برخی موارد حتی به محدوده های انتزاع و تجرید نیز می رسید. نقوش حیوانی در هنر ساسانی بیش از سایر نقوش و نمادها خود را جلوه گر میسازند. جانورانی با ویژگیهای عجیب از جمله همراه داشتن حلقه های مروارید نشان و نوارهای موج که دور سر، گردن و بدنشان بسته شده است و یا موجودات ترکیبی از جمله اسب بالدار و سگ پرند با دم طاووس.^۴ نقوش حیوانی به کار رفته در منسوجات ساسانی عبارتند از: طاووس، عقاب، مرغابی، قوچ، شیر، اسب، فیل، گراز و برخی موجودات افسانه ای چون سیمرغ و موجودات ترکیبی مثل گریفن.

پارچه با نقش شیر

در واکاوی معنای نمادین نقش شیر در پارچه های مدالیونی ساسانی، این حیوان، نمادی از نگاهبانی مقتدر و پیروزمندی در جنگ است که تأثیر زیان آور اهریمن را دور می کند. آبشخور این دریافت از آنجا نشأت می گیرد که در اعصار تاریخی ایران و میان رودان، شیر به عنوان نگهبان نمادین پرستشگاه ها، قصرها و آرامگاه ها، باعث دور کردن تأثیرات زیان آور میشده است (طالبپور، ۱۳۹۴: ۵۸) از سوی دیگر، در دوره ساسانی و حتی اعصار پیشتر همچون هخامنشی، شکار شیر، به یکی از مظاهر استطاعت و زورمندی پادشاهان تعبیر میشده؛ چون این حیوان وحشی، به ذات، نماد قدرت و شجاعت است، پس پادشاه با از پای درآوردن آن، برتری افزون خود را به نمایش میگذارد. از مجموع روایات چنین برمی آید که شیر، نشانه پاسداری از قدرت و اقتدار است؛ پس در قالب مدالیونی و فارغ از نقش شکارچی، نمادی از نیرومندی و تسلط حراست یافته خواهد بود. این مضمون چنان نهادینه شده است که در ادوار بعدی حتی تا دوره متأخر، شیر به عنوان لقب و صفت قهرمانان به کار میرود. تکرار چنین مفهوم نمادینی بر سطح پارچه های که احتمال مصرف پوششی داشته است، برای صاحب آن نوعی ارزشمندی ایجاد می کرده و نه تنها به توانمندی ایشان گواهی میداده که همچون یک دعا، به تکرار، خواستار فزونی آن بوده است. در این نمونه تصویری خاص، افزون بر نمادینگی های معمول، یال برجسته نمایی شده شیرهای غران، یادآور نوارهای پهن، بلند، موج و در اهتزاز ساسانی است که با تداعی نیروهای فوق زمینی ارتباط دارد. نوارهایی که با حفظ فره سلطنتی و فزونی متناسب بوده، یادآور اولین کالبد ایزد بهرام یعنی باد هستند که در بند دوم از کرده یکم در یشت چهاردم اوستا به آن اشاره شده است (اوستا، ۱۳۷۱: ۴۳۱)

⁴ <https://nassajiemrouz.com/uploads/>



تصویر ۲. نقش شیر در منسوجات ساسانی^۵

نقش اسب

در معنای سمبلیک، اسب به معنی آزادی، انرژی خورشیدی، پیروزی، تحمل، سرعت و ... آمده است. در باورهای قومی و اساطیری در نشانه های نجابت خانوادگی، آماده برای هرگونه خدمت در زمان صلح و یا جنگ است. در فرهنگ ایران به ویژه اسب و گردونه، از زمان های کهن استفاده شده است. مهر از جمله ایزدانی است که بر گردونه ی مینوی نشسته است. ایزد بهرام در سومین تجلی خود به صورت اسبی سفید و زیبا ظهور کرد. از لحاظ طرح کلی شهر شوشتر به شکل اسب است. (دادور و منصوری، ۱۳۸۵: ۶۹-۶۸). در پارچه ساسانی (تصویر ۳) اسب روبان مواجی که در فضا معلق است بر گردن دارد که همان دستار شاهی یا دیهیم می باشد. دستار در فرهنگ و ادبیات پارسی به معنای شال و دستمال است که از دو بخش دست و آر تشکیل شده است. در فرهنگ فارسی یکی از معانی دست پیروزی است. بنابراین می توان چنین نتیجه گرفت که دست در ترکیب «دست_آر» می تواند معنی آورنده پیروزی را در خود داشته باشد و این صفت یعنی آورنده پیروزی از صفات و ویژگی های فره ایزدی یا همان فره کیانی اوستا است. (سودآور، ۱۳۸۴: ۳۴)

^۵ www.Flickriver.com



تصویر ۳. نقش اسب در منسوجات ساسانی (www.Flickrriver.com)

نقش قوچ

قوچ بیانگر انرژی آفریننده و نیروی محافظ و قرار گرفتن آن در منطقه (البروج جدی) در ستاره شناسی به مفهوم تجدید نیروی بهار در هر سال است. شاخ های پیچیده قوچ نیز نماد تندر و با ایزدان خورشید و ایزد بانوان ماه در ارتباط است.^۶ قوچ مظهر خورنه (فره) و نشان قدرت شاهی و نماد پیروزی است و بز نماد نیروی زندگی و خالق نیرو، نگهبان درخت زندگی، موجودات مورد علاقه نگارگران بوده اند. در دوره ساسانی از این نقوش زیاد بر روی پارچه ها استفاده شده است (صمدی، ۱۳۶۷: ۱۶۳). قوچ، یکی از شکل های جانوری عمده است که در خاور میانه، یونان و مصر باستان بعنوان خدایان وابسته به زایش و باروری

^۶ https://research.iaun.ac.ir/pd/mojabi/pdfs/UploadFile_2948.pdf



مورد پرستش بود. مصر چندین خدای قوچ داشت و هر کدام پرستشگاه ویژه خود را داشتند. آمون بالترین خدای مصری، کامال شبیه قوچ نیز نامیده شده اند. شاخ بود. شاخ گاو نمادی مونث و شاخ قوچ نمادی مذکر است. این دو جفت شاخ همچنین دو جفت "نماد تولد" های قوچ یا بز به معنی نیروی زاد و ولد و باروری است.^۷



تصویر ۴. نقش قوچ (گیرشمن، ۱۳۷۰: ۲۳۰)



بز کوهی حیوان ملی ایران دانسته شده است. (دادور و منصوری، ۱۳۸۵: ۹۱). نقش آن از قدیمی ترین سفالینه های شوش و سیلک تا مفرغ های لرستان و آثار دوران ایلام و هخامنشی و پارتی و ساسانی مورد توجه بوده است. بز کوهی با شاخ های بزرگتر از حد معمول و درست شبیه هلال ماه بر سفالینه ها ترسیم شده است. گاهی شاخ او نماد ماه است. در اکثر پدیده های هنری، آناهیتا (الهه ی آب) در قالب بز کوهی مجسم شده است. بز نماد نیروی زندگی، خالق نیرو و نگهبان درخت زندگی می باشد. همچنین نماد فراوانی محصول و مظهر زندگی و نباتات بوده است. در هنر لرستان بز کوهی را نماد حیوانی خورشید می دانستند. (پورخالقی، ۱۳۸۱: ۲۸۱). پس از فرمانروایی خورشید بز کوهی حیوان خورشید نام گرفت. (دادور و منصوری، ۱۳۸۵: ۹۱).



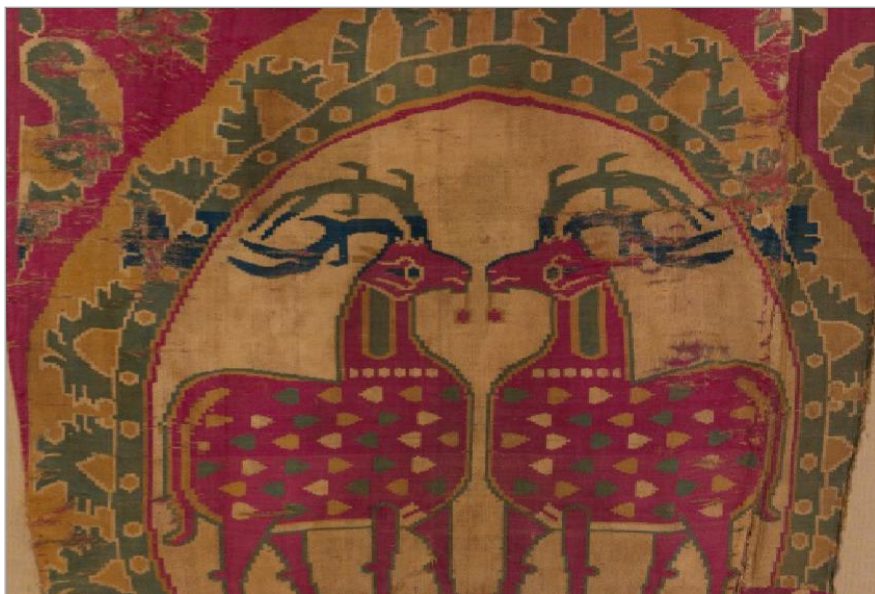
تصویر ۵. نقش بز در منسوجات ساسانی، ۶-۸ میلادی (ریاضی، ۱۳۸۲)



نقش گوزن

نقش گوزن تصویر ۶، قسمتی از یک قطعه پارچه با نقش دو گوزن چهره به چهره در یک قاب مدالیونی را نشان میدهد. تجسم گوزن بدین صورت با شاخهای در هم پیچیده، یادآور بافته هخامنشی پازیریک و دیگر آثاری است که به تأثیر از اقوام سکایی در گنجینه زرین زیویه یافت شده اند. «ویژگی متمایزکننده گوزن شمالی از دیگر گوزنها، شاخهای پیشانی رشدیافته ای است که به جلو آمده؛ شاخهای سنگین و پرپیچ و تاب که به عقب کشیده شده، دم کوتاه، بینی پرگوشت و گردن دراز و سمهای بزرگ شاخدار است» (اتینگهاوزن و یارشاطر، ۱۳۷۹: ۵۸). اما به واقع این تکه منسوج ابریشمی با ابعاد تقریبی ۳۵*۴۵ سانتیمتر، بر اساس اسلوب سبکی پارچه های پنج رنگ ساسانی تولید شده است. نمونه ای که هر چند امروزه در موزه متروپولیتن نیویورک نگهداری میشود، اما در حدود سده های هشتم و نهم میلادی با ترکیب رنگی سرخابی، نخودی، سبز، سفید و کرم، در نواحی شرقی ایران بافته شد (URL:3) به منظور دست یابی به معنای سمبلیک این تصویر، میتوان ادعا کرد بخشی از ابهت گوزن، به سبب شکل ظاهری، زیبایی، وقار و چابکی او است اما در معنای فراتر، از آنجا که شاخ گوزن به صورت طبیعی میافتد و دوباره درمیآید، این حیوان با باززایی و دوره های تجدید حیات، ارتباط نمادین دارد. این چرخه سالیانه، باعث ارتباط گوزن با نوزایی کشاورزی و نیز نیروی جنسی مردانه میشود (اخوان اقدم، ۱۳۹۶: ۷۵ و ۷۶).

با این حساب، وجود تصویر گوزن آن هم در قالب طرح مدالیونی منسوجات ساسانی، با باور نوزایی و حیات دوباره، قرابت معنایی برقرار میکند. خاصه آنکه گردنرأویز این گوزنها، مرواریدگون مینماید. «مرواریدی که نطفه فره را در بر دارد و نمادینه حیات است» (سودآور، ۱۳۸۳: ۱۱۱).





تصویر ۶: پارچه با نقش گوزن، ابریشم، موزه متروپولیتن نیویورک (URL:3)

نقش گراز

نقشمایه گراز نقش گراز یکی از نقوشی است که در آثار هنری ایران پیش از اسلام سابقه دیرینه ای دارد. گراز دو خصلته است، هم شمسی است و هم قمری. گراز شمسی مظهر اصل مذکر است؛ اما اگر سفیدرنگ باشد، گراز قمری و مظهر اصل مرطوب و مؤنث محسوب میشود که ساکن مرداب است (دستان و کاظمی، ۱۳۹۵). این طرح مورد احترام بود و در راه خدمت به نیکی در شکارگاه قربانی میشد (غلامرضایی، ۱۳۹۴: ۱۲). زنانی که در شکار گراز در طاق بستان پارو زن قایق ها هستند، جامه ای در بر دارند منقش به دوایری که سر گراز در آنها ترسیم شده است، یک قطعه از منسوج عهد ساسانی با همین نقش در موزه حرفه های هنری برلن منفوظ است (صابری و مافی تبار، ۱۳۹۸: ۲۲) در این نمونه، سر گراز در بین حلقه ای با تزئین مروارید و خورشید قرار دارد که به صورت نیمرخ، با خطوط ساده ولی با دقت ترسیم شده است. ظرافت خطها و اشکال هندسی به گونه ای است که این طرح را مدرن جلوه میدهد. همچنین، دهان باز آن، حس سرزندگی را منتقل میکند (تصویر ۷)^۸.



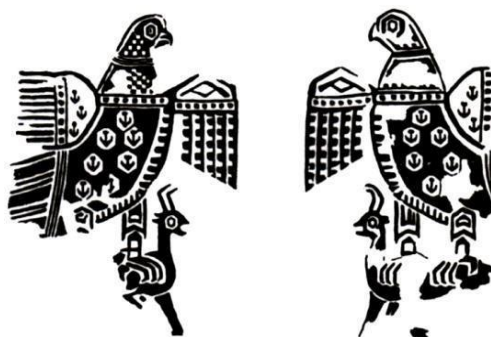
شکل ۷: پارچه ی ابریشمی با نقش گراز، ماوراءالنهر (پوپ، ۱۹۷: ۱۳۸۷)

نقشمایه عقاب (باز، شاهین)

^۸ <https://www.ancientiranianstudies.ir/article>



عقاب به دلیل ارتفاع زیاد پرواز از دید ایرانیان حالتی معنوی و آسمانی به خود گرفته است و مرتبط به اهورامزدا و خورشید خوانده میشد. در هنر ساسانی نیز به عنوان نماد ایزد آفتاب (میترا) مطرح بوده است (صادقپور فیروزآباد، ۱۳۹۶: ۱۰۹). عقاب در توانایی، سرآمد پرندگان است و نیز به دلیل شکوه و تقدس خود به شاه مرغان شهرت یافته است (نامجو و فروزانی، ۱۳۹۲: ۳۱). حضور این پرنده بر فراز تاج شاهی و در نقوش البسه، به عنوان نمادهایی همراه در نظام تصویری پادشاهی، نشان از جایگاه های والای این پرنده در تفکر ساسانی دارد (ایرانی ارباطی و خزایی، ۱۳۹۵: ۲۷).



تصویر ۸: نقش عقاب ماخذ: (ریاضی، ۱۳۸۲: ۴۶)

مرغان آبی

تصویر ۹، تکه پارچه ای را نشان میدهد که در متن قاب آن، پرندهای تجسد یافته است. فرم این جانور به واسطه شکل گردن، چشمها و همینطور منقار قوی و برجسته و البته پیچ و تاب بال، یادآور نوعی مرغابی، خاصه اردک نر است. رنگ سبزآبی سر حیوان نیز این باور را تقویت میکند. در تعریف پرندگان تحت عنوان مرغابی باید در نظر داشت: «مرغابی یا بط نامی است که معمول برای تعدادی از گونه های مرغابی سانان در خانواده اردکیان به کار می رود» (معین، ۱۳۸۶، ذیل مرغابی). شناخت این حیوان در منسوجات ساسانی، چندان دشوار نشان نمی دهد چراکه «نقش مرغابی در دوره ساسانی به فرم کاملاً واقع گرا ظاهر میشود» (کریمی، ۱۳۹۸: ۲۶).

البته به طور کلی و از عصر باستان تاکنون این نگاه کلی وجود دارد که «در باور ایرانیان، هر پرنده ای که در ارتباط با آب باشد نمادی از آناهیتا یا ناهید است» (شهبازی و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۵۱). از سویی در شکل دقیقتر «از آنجا که نقش این پرنده در دوران ساسانی و اوج آناهیتا پرستی به وضوح در هنرها جلوه گر شد میتوان این فرضیه را مطرح کرد که مرغابی نمادی از آناهیتا، ایزدبانوی باروری و آبهای پاک باشد» (کریمی، ۱۳۹۸: ۲۶). «اینکه مرغابی را از نشانه های آناهیتا آورده اند شاید منوط به اشتراک نقش نمادین آب در هر دو باشد که آناهیتا نماد آب است و مرغابی در آب خوراک خود را می یابد و به نوعی حیات او با آب است» (جوادی و بستانر، ۱۳۸۳: ۱۸). مرغان آبی در باور ایرانیان هر پرنده ای که در ارتباط با آب باشد نمادی از آناهیتا یا ناهید است. (نیبرگ، ۱۳۵۹: ۴۱). آناهیتا الهه آب ها مورد ستایش همه ایزدان است چرا که از او موجب فرخی و باروری جهان و جانوران است. (بنونیست، ۱۳۸۳: ۳۹).



تصویر ۹: نقش مرغابی درمنسوجات ساسانی

طاووس

این حیوان در باور ساسانیان، از اهمیت ویژه ای برخوردار بود چنانکه این نقش در الواح گچی تیسفون و حتی منسوجات به وفور قابل ملاحظه است. از سوی دیگر «در فرهنگ و هنر ساسانیان پیوند عمیقی بین طاووس و سیمرغ، پرندۀ اساطیری وجود دارد، به طوریکه ساسانیان در تجسم سیمرغ از دم طاووس استفاده میکردند» (صادقی نیا و پوزش، ۱۳۹۵: ۵۶). در واقع طاووس به جهت شکل ویژه پیکره و نوع ایستایی دم که برای بسیاری دیگر از پرندگان قابل احراز نیست و البته رنگهای درخشان به نمادی از سلطنت شکوهمند پادشاهی ساسانی بدل گشت، بر بسیاری از هنرها همچون منسوجات نقش گرفت و جزیی از حیوان اساطیری سیمرغ شد چراکه طاووس در عین حال که در معنای قراردادی، نماد سلطنت است و «جامه هایی با چنین نقشی، متعلق به خاندان سلطنتی است» (موسوی و آیت اللهی، ۱۳۹۰: ۵۴). از لحاظ پیکربندی «با دمی همچون اشعه های خورشید پرندۀ بی مرگی نیز هست زیرا دم او نشان از خورشید دارد و نمادی از حیات مجدد است» (اخوان اقدم، ۱۴۰: ۱۳۹۶). بدین قیاس است که طاووس به عنوان مظهر بی مرگی و تجدید حیات نه فقط بر جامه افراد منتسب به دربار نقش میندود که به عنوان بخشی از جانور ترکیبی سیمرغ، خاصیت جاودانگی را به آن تسری میدهد. در مرتبه سوم و با هدف تفهیم سنت محتوایی طاووس، مضمون بقاء اهورایی این پرندۀ به واسطه قرارگیری نقش خورشید مرواریدنشان در پس سر وی، مورد تأکید قرار میگیرد. «قرار گرفتن نقوش در داخل دایره نمادی از فر ایزدی است و به احتمال بسیار این نقشها به ایزدان و فره آنها دلالت دارند.



افزون بر آن، کادر مروارید دور نقوش منسوجات ساسانی، میتواند به قرص خورشید یا شمسه اشاره داشته باشد که در این صورت نیز نمادی از فره ایزدی است. تعداد دواير در یک تصاویر میتواند نمادی از فره افزون و نماینده قدرت بیشتر و در نتیجه فره بیشتر باشد (امامی و حسامی، ۱۳۹۴: ۲۲). طاووس نشانه آسمان پر ستاره است. طاووس که خودش را از زمین نمی داند و بر آن است تا از زمین رفته و به جایگاه اصلی خود برسد. در واقع جامه هایی با چنین نقشی، جامه خاندان سلطنتی بوده است. آن دسته از شاهان و دلیرانی که مربوط به زمان این پوشش می شده اند، اهل شجاعت و مردانگی بودند و اعتقاد داشتند هنر برای خدمتگزاری به دین است. در کل استفاده از این پرند در طرحهای پارچه یا آثار هنری اشاره به روحی دارد که پس از مرگ به آسمان صعود میکند (ضیمران، ۱۳۸۳: ۹۳) (تصویر شماره ۱۰).



تصویر ۱۰: نقش طاووس در منسوجات ساسانی ماخذ: (ریاضی، ۱۳۸۲: ۴۷)

سیمرغ

سیمرغ به عنوان پرنده خوش یمن، مبارک و با شکوه برای تاکید بیشتر برتری شاه و به ویژه روی لباس شاه و برگزیدگان خاندان سلطنتی دیده میشود و نشان شاهانه ساسانیان است. سیمرغ از علایم و نشانه های نجاست و با خدای محافظ سروکار دارد و هر کس آن را داشته باشد از شر دشمن در امان ست و نیروهای زمینی و کیهانی پادشاه و پشتیبان اوست. همچنین سیمرغ موجود افسانه بالدار با سر سگ، پنجه شیر و دم طاووس نیز در هنر ساسانی متداول بوده است عقاید و باورها اقوامی چون آشوریها و هیتیها درباره گریفین باعث شد که تصویر سیمرغ با گریفین در آمیزد و از حیوانی به شکل ساده چون عقاب صلح طلب، حیوانی مرکب از سگ، شیر و طاووس و شاهین پدید آید و خوی جنگجویی داشته باشد. نقشی که نشان سپاه ایران بوده و بر کلاه شاهان نصب شده و بر مهرهای ساسانی با عنوان نمادی از شکوه و جلال شاهنشاهی ساسانی دیده میشود. پادشاهان



ساسانی قایل بودن ماهیتی ربانی برای مقام پادشاهی را که فره ایزدی (اوستای، خوره) عنوان داشت ترویج می کردند و علاوه بر سیمرغ مخلوقات دیگری از متون اوستایی را نیز به این مفهوم مرتبط می ساختند، که نیز با حلقه ها و نوارهای موج بر جامه و تاج و کلاه شاه تجسم مییافت. (همان ۱۳۹۲:۵۰). سیمرغ ساسانی در واقع یک موجود افسانه ای ترکیب شده از چند گونه ی حیوانی است که شامل بدن و سر سگ، پنجه های شیر و دم طاووس می شود.

(تصویر ۱۱) بدن و سر سگ و شیر یا در برخی موارد دیگر چهارپایان نماد زمین، بال های پرنده نماد آسمان و پولک و فلس های ماهی پوشش بدن نماد آب می باشد (طاهری، ۱۳۸۸: ۱۸) سیمرغ موجود افسانه ای بالدار با سر سگ، پنجه شیر و دم طاووس نیز در هنر ساسانی متداول بوده است (تصویر شماره ۱۲).



تصویر ۱۲: منسوجات دوره ساسانی با نقش تلفیقی سیمرغ و طاووس

مأخذ: پوپ و اکرم، ۱۳۸۷:۲۰



تصویر ۱۱: بازسازی نقش سیمرغ در منسوجات ساسانی (ریاضی، ۱۳۸۲)

خروس:

پرنده در داخل قابها در بسیاری از زمینه های هنر ساسانی مشاهده میشود. خروس نماد گسترده روح به ویژه پس از مرگ، به تعبیر دیگر نشانه خروس به معنای عالمت رسمیت است (ضمیران، ۴۱-۳۹: ۱۳۸۳).



(تصویر شماره ۱۳). خروس مورد احترام بسیار مسلمانان است در باورهای عامیانه آمده است که در شب معراج، پیامبر (ص) خروسی سفید دید که پای او بر هفتم طبقه زمین بود و سر او بر طبقه هفتم آسمان. جبرئیل به پیامبر گفت: این خروس سپید است که هرگاه دو بال خویش باز کند و بانگ زند، جمله خروس های زمین نیز بانگ کنند به این دلیل، پیامبر وصیت کرد خروس سپید دوست من است و من دوست او هستم و دشمن او دشمن خداوند حضرت محمد (ص) همچنین فرموده اند: به خروس ناسزا نگوئید زیرا خروس دوستدار من است و جنیان مذموم را از خانه طرد می نماید خروس با بانگ سحرگاهی خویش، مومنین را به نیایش و عبادت فرا می خواند خروس، اعتقاد به نیایش و عبادت را نشان می دهد و بنابراین می تواند یادآور اطاعت از قرآن و ایستادگی در برابر وسوسه ها باشد. در بیشتر فرهنگ ها خروس، نماد نور و خورشید است خروس عمدتاً نشانه ایزدان خورشید می باشد در فرهنگ چینی خروس قرمز شکل اصل خورشید و در نماد شناسی مسیحیان خروس در شرق به طلوع خورشید تهنیت می گوید در فرهنگ چینی، اعتقاد بر این است که قرار دادن خروسی سفید روی تابوت ارواح را دور نگه می دارد یونانیان و رومیان خروس را قره خداوندی و مظهر آپولون (خدای خورشید و نور) نامیده اند. خروس در سراسر جهان نمادی خورشیدی است، زیرا که بانگ خروس طلوع خورشید را بشارت می دهد. خروس همه جا را از نیروهای شر حفظ می کند.⁹



تصویر ۱۳: خروسی که هاله به سردار دارد (موزه واتیکان) گیرشمن، ۱۳۷۰: ۲۳۰.

⁹ https://research.iaun.ac.ir/pd/mojabi/pdfs/UploadFile_2948.pdf



نقش گل چهار پر

گل های چند پر (رزت و قلبی شکل) گل و بوته های چند پر به گواه نقوش طاق بستان از دیگر نقوش رایج گیاهی در منسوجات ساسانی هستند که به اشکال چهار، هشت و پُرپر دیده می شوند. گل های چهار پر کاربرد بیشتری در منسوجات ساسانی داشتند. این کمیت گلبرگ ها می تواند بار کیفی نیز داشته باشند. عدد چهار که در مفهوم فلسفی خود به کمال ماده اشاره دارد، در جهان بینی زردشتی نیز در موارد بسیاری دیده می شود. به عنوان مثال :

-عناصر چهار گانه ی آب، باد، آتش و خاک.

-تقسیم حیات یک دوره ی سال به چهار فصل: بهار، تابستان، پاییز و زمستان.

-جهات چهارگانه: خراسان (شرق)، خاوران (مغرب)، اباخران (شمال)، نیمروز (جنوب).

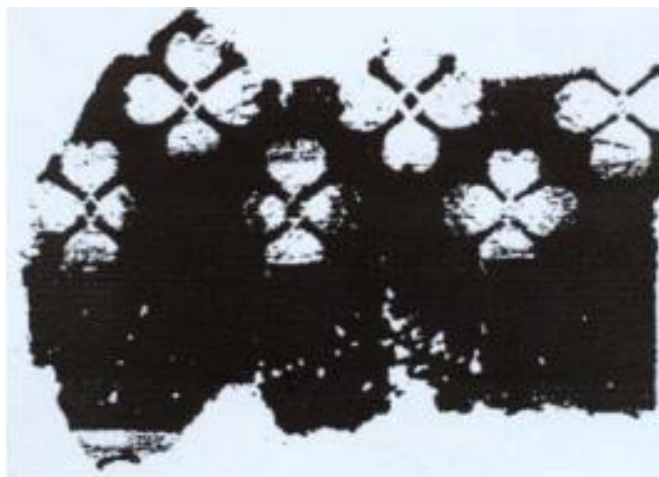
-گماردن چهار ستاره در چهار گوشه ی جهان به سان چهار سپاهبد.

-تقسیم مردان به چهار گروه: آسرونان، ارتشتاران، واستریوشان و هوتوخشان.

-اشاره به چهار نماز مهم زردشتی یعنی آفرینگان ها.

-با چهار اسب کشیده شدن گردونه ی برخی از ایزدان چون مهر و سروش.

-چهار گره ی کستی (کمر بند مقدس) و (بهزادی، ۱۳۶۷: ۸۳۹ و ۸۴۰).



تصویر ۱۴: نقش گیاهی، قطعه پارچه با طرح رزت چهارپر، مأخذ: fukai, 1991, 48

گل هشت پر

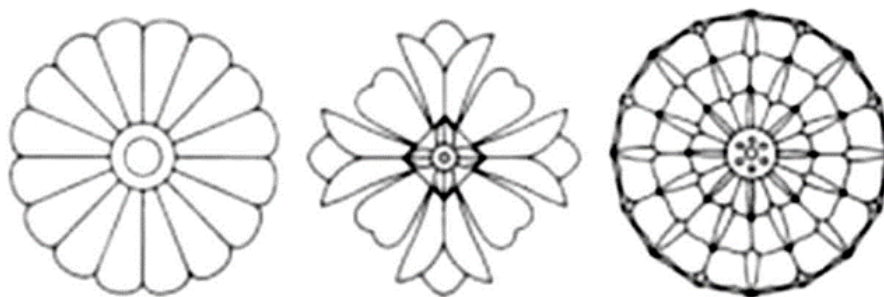
عدد هشت نیز در جهان بینی زردشتی حضور دارد اما جای چندان وسیعی را اشغال نمی کند. به عنوان مثال چون کیومرث در گذشت به سبب سرشت فلزین داشتن هشت گونه فلز از اندام او پدید آمد: زر، سیم، آهن، روی، ارزیر، سرب، آبگینه و الماس. همچنین آفریده شدن مرغان در هشت رسته. (همان: ۸۴۵). از لحاظ شمار تعداد گلبرگ در نقوش گل ها، در نقوش ساسانی



گل های چهار پر بیشترین کاربرد را داشتند، گل های چهار پر به دو صورت گلبرگ های نوک تیز و قلبی شکل در منسوجات ساسانی دیده می شوند. در گل های نوک تیز گلبرگ ها در چهار جهت از یک دایره مرکزی بیرون زده اند که گاهی بدون دایره مرکزی و به صورت پیوسته نیز مشاهده می شوند. این نوع نقوش احتمالاً نشانگر گیاه خاصی نیستند اگر چه گمان می رود که چنین گل هایی به فراوانی در آسیای مرکزی و جنوب غربی وجود داشته است. (ریاضی، ۱۳۸۲: ۱۱۵). در میان گیاهان میتوان به انار گل سرخ و نخل اشاره کرد. آثار همواره مقدس بوده و این میوه دندانه دار نشان و نماد باروری آناهیتا است (کریمی، ۱۳۸۵: ۱۱۶). گل سرخ در دوره ساسانی نماد سنتی خورشید و بازگو کننده نیروی زندگی بخش است (صمدی ۱۳۶۷: ۳۶).

نقش گل پُرپر

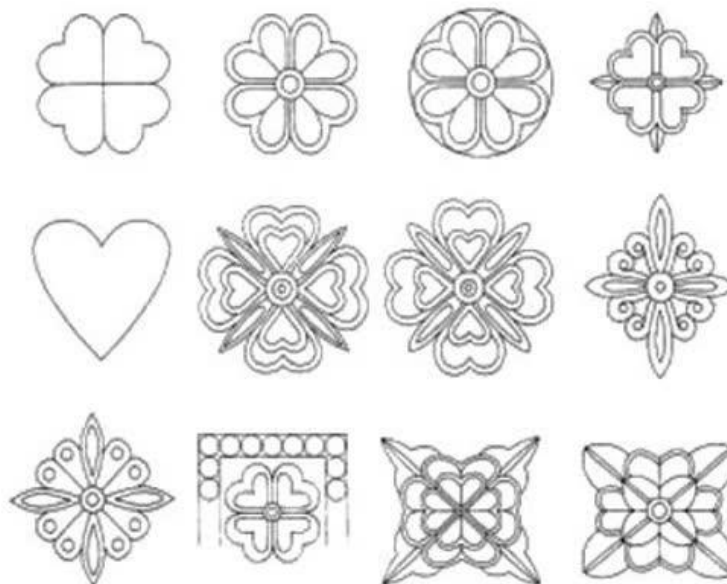
گل پُرپر با نام های رزت و گل سرخ نیز شناخته می شود و در دوره ساسانی نماد سنتی خورشید و بازگو کننده ی نیروی زندگی بخشی است (موسوی و آیت اللهی، ۱۳۹۰: ۵۴).



تصویر ۱۵: نقش گل های پُرپر منسوجات ساسانی بر اساس حجاری های طاق بستان (ریاضی، ۱۳۸۲)

نقش گل چند پر (قلبی شکل)

تزیینات به شکل قلب به صورت نقش رایج در اواخر دوره ساسانی متداول بود و در حجاری های طاق بستان نیز دیده میشود. افزون بر آن تکرار موضوعات منفرد و یا مرکب به شکل گلچه گل چهار پر و قابهای لوزی شکل نیز متداول بوده است (ریاضی، ۱۳۸۲: ۱۸۹). (تصویر شماره ۱۶)



تصویر ۱۶: نقش گل با چهار گلبرگ قلبی شکل در منسوجات ساسانی بر اساس حجاری های طاق بستان (ریاضی، ۱۳۸۲)

نقش گل از پهلوی

این گل اسطوره ای در هنر ساسانی کاربرد فراوانی می یابد. از جمله نماد قدرت و القای نیکبختی است که از جانب ایزد بانوی ناهید به شاه و قلمرو شاهنشاهی وی تقدیم می شود. (سودآور، ۱۳۸۴: ۸۳) همچنین به عنوان نماد فره به حساب می رود فره به معنی شکوه و جلال است و در اصطلاح اوستایی، حقیقتی الهی و کیفیتی معنوی است که چون برای کسی حاصل شود او را به شکوه و جلال و مرحله تقدس و عظمت معنوی می رساند. (یاحقی، ۱۳۸۸: ۶۰۸).



تصویر ۱۷: نقش گل از پهلوی در منسوجات ساسانی بر اساس حجاری های طاق بستان (ریاضی، ۱۳۸۲)

درخت زندگی

درخت در باور ایرانیان نماد جاودانگی، شاه، مقام سلطنت و حکومت است (پورخالقی، ۱۳۸۱: ۱۱۶). و به نوعی تداعی کننده ی رستاخیز دوباره است. (بهار، ۱۳۷۸: ۱۷۶). در نماد پردازی اسطوره ای جهان، نماد زن و همه ی نمادهای زنانگی و مادری است.



(پورخالقی، ۱۳۸۰: ۷۸) به باور پیشینیان این درخت در بهشت روئیده است و به خیر و شر احاطه دارد. در (تصویر ۱۸). نقش درخت نخل دیده می شود که در هنر هخامنشی و ساسانی درختی مقدس محسوب می شود. میوه های این درخت (خرما). جنبه ی باروری داشته است و به عنوان درخت زندگی مطرح بوده است. ترکیب بندی این نقش به صورت قرینه است دو جانور در دو طرف درخت زندگی در داخل کادری دایره ای و مروارید دوزی شده نشان داده شده است. این شیوه ی ترکیب بندی شاخصه منسوجات ساسانی به شمار می رود و میراث هنر بین النهرین باستانی بوده است که به دوره ی ساسانی انتقال یافته است. این حلقه ی مروارید نشان به مدالیون معروف است. (موسوی و آیت اللهی، ۱۳۸۹: ۵۳). مدالیون ها بیشتر از پیوستن دانه های شبیه به مروارید در کنار یکدیگر و گاهی سایر نقوش گیاهی و تزئینی در ترکیب این نقش شرکت دارند. مروارید دانه ی ارزشمندی است که در اعماق آب و در دل صدفی نرم تن شکل می گیرد پس می تواند نمادی از ایزد بانوی آب ها، آناهیتا فرض شود و دایره مدور و مزین به ردیف مرواریدها می تواند نمادی از فره ایزدی این ایزد بانو باشد. و دایره نماد کائنات است، چرا که گیتی و عالم محصور در دایره است. نقش درخت در این نوع ترکیب بندی بر اساس نقش جانوران و سایر عناصر تغییر می کند. گاهی درخت با شاخ و برگ گسترده و در برخی موارد کامل منسجم، ساده و هندسی دیده می شود. (سودآور، ۱۳۸۴: ۷۹)



تصویر ۱۸: نقش درخت زندگی (نخل) با شیران محافظ در منسوجات ساسانی، سده ۸ - ۹ م (ریاضی، ۱۳۸۲)

سایر نقوش

ماه نماد جهان، نمادی از الهه مادر، قدرت زنانگی، ملکه بهشت، نشانه قدرت معنوی، عظمت، روشنائی و تولد تازه است (صمدی، ۱۳۶۷: ۳۶). ماه با شاهان ساسانی و تاج آنها همراه است. دیهیم یا همان نوارهای مواجی که به گردن یا منقار یا دم اسب بسته میشود، اغلب آرایه های جانوری و گیاهی درون قابهای حلقوی و بیضی استفاده میشود. خروس بزرگ در قاب مدور، مردی با شیری در نبرد است، شکارچی با تیر و کمان در حال شکار شیر درون دایره، تصاویر حیوانات خیالی مانند عنقا، دیوی که دم طاووس دارد، اسب و گاو بالدار، قوچ، گراز وحشی، اسبی درون قاب، پرندگانی که در دور گردن آنها نوارهای مخصوصی است. اشکال بیضی و دایره، دایره های مماس بر هم، نقوشی مانند قلب، نقش اردک با گردن بندی در منقار، شاه سوار بر اژدها، جنگ شاه با حیوانات افسانه ای، حیواناتی با بدن اسب و شاخی بر پیشانی، عنقا با تنه شیر و دم طاووس، پرندگان و حیوانات در دوایری روبروی هم، گل های چهار پر، شطرنجی، بز کوهی، خروس، مرغابی، حواصیل، نقوش ستاره، تاجی از مروارید در اطراف هلالی، سر گراز، درخت بید و نارنج، و انواع گل های زیبا با طرح های گرد و چهار پر، شاخ و برگ و تاج پیچ در پیچ، گل و ستاره که اغلب این نقوش در درون قاب تصویر میشد (فریه، ۱۳۷۴: ۱۰۷). درباره استفاده از قاب های حلقوی باید گفت: دایره رمزی نیرومند شمرده



میشود. تاج شاهی ساسانیان مستدیر بود و بسیاری از شاهان نیز تاج خود را به حلقه های مروارید و نیم تاجهای تک داشت و اهمیت نقشمایه درونی مروارید می آراستند. در میان قابها شکل دایره با شمسه تبر خود را به تأیید میرساند (شایسته فر و موسوی، ۱۳۸۲: ۴۱) ویل دورانت در مورد هنر ساسانی معتقد است که هنر ساسانی نمایانگر احیای پرزحمت هنر پنج قرن سکوت است، (طالبپور، ۱۳۹۲: ۱۲۱). دوره ساسانی بعضی ویژگیهای هنر پارسی را اقتباس کرده و انواع نقشمایه های انسانی، گیاهی و جانوری با معانی نمادین کاربرد داشته است. همچنین کاربرد وسیع زبان روایی و تزیینی در هنرهای تصویری این دوره دیده میشود. طرحهای هندسی و شکلهای گیاهی به صورت تکی یا ترکیبی به کار میرفته اند، گذشته از آن نقوش جانوری در قابهای تزیینی بر روی منسوجات ساسانیان متداول بوده است. نقوش تزیینی منسوجات اغلب عبارت است از دایره های جدا یا مماسی که نویسندگان پیشین آنها را دایره های چرخوار مینامیدند. در این ترکیبات حیوانات جاندار محاط در این چرخها، یا دایره ها اغلب به طور قرینه و رویاروی، یا پشت به پشت قرار گرفته اند و یک درخت مقدس و یا یک آتشدان در میان آنها نقش شده است که این نقوش در منسوجات ساسانی فراوانند.





۵- نتیجه گیری

هنرمند ساسانی تنها در پی پرداخت و خلق یک تصویر و پیکر انسانی با مشخصات واقعی و در حالت معمول نبوده، حتی در پی به تصویر کشیدن جنبه های شکوهمند تاریخی نیست، لذا هر جزء آن نمادی است از یک فرهنگ و اشارتی به وظیفه، مشروعیت، استواری و تقدیر. نقوش تزئینی پارچه های ساسانی توجه هر بینندهای را به خود جلب میکند؛ به خصوص نقش حیوانات که شامل چهارپایانی مثل قوچ، اسب، شیر و گراز و نقش پرندگان از جمله عقاب، طاووس، خروس و مرغابی میشود. پس از بررسی آثار محدود به جا مانده از پارچه های ساسانی، میتوان مشاهده نمود که نقوش حیوانی دوره ی ساسانی هم گرایش به واقعگرایی در پارچه و هم به انتزاع داشتند و در رنگ آمیزی از رنگهای اصلی (قرمز، آبی و زرد) بیشترین استفاده شده است. توجه به عنصر رنگ در نقوش پرندگان بیشتر است و رنگ آمیزی طبق رنگ طبیعی آنها و با رنگهایی گیراتر نسبت به نقوش چهارپایان انجام شده است؛ مانند طرح مرغابی، طاووس و خروس. در نقوش پارچه ساسانی تصویر جانوران نسبت به دیگر نقوش بیش تر است و قاب دایره و بیضی نیز مشاهده می شود. در این دوره قرار گرفتن نقوش در داخل قاب رواج یافت و نقش های هندسی و شبکه های لوزی، چهره انسانی با هاله ای در دور سر، دایره های چرخ دار گل و برگ ها، برگ نخل، زینت های مارپیچی به شکل برگ، دایره با شکل مروارید یا یک جفت بال گسترده، نقش قوچ با شاخه هایش، نقوش گیاهی که خود تشکیل اشکالی مانند لوزی می دهند، طرح پارچه ها هم مورد نظر بوده است به عنوان نمونه تصویر خاص در یک پارچه به معنای دعای خاص یا آرزوی خوشبخت شدن کسی بود که یا به او هدیه داده می شد یا برایش بافته می شد.



نقش	موضوع	تصویر	مفاهیم نمادین
انسانی	شاه		تجسد ایزد پیروزی، حکومت اعلای شاه
جانوری	شیر		نگهبانی از نیرومندی، قدرت و اقتدار، پیروزمندی در پیکار
	اسب		اسب به معنی آزادی، انرژی خورشیدی، پیروزی، تحمل، سرعت و...
	قوچ		جایگاه اهورایی شاهانه، جنگاوری، نیرومندی، پیروزمندی، فرهنگمندی.
	گوزن		این حیوان با بازایی و دوره های تجدید حیات، ارتباط نمادین دارد. و نمادینه حیات است.
	طاووس		در طرحهای پارچه یا آثار هنری اشاره به روحی دارد که پس از مرگ به آسمان صعود میکند
	سیمرغ		سیمرغ به عنوان پرنده خوش یمن، مبارک و با شکوه و نشان شاهانه ساسانیان است.
	خروس		خروس در سراسر جهان نمادی خورشیدی است
	چهار پَر		عدد چهار که در مفهوم فلسفی خود به کمال ماده اشاره دارد
	پُر پَر		نماد سنتی خورشید و بازگو کننده ی نیروی زندگی بخشی.



نماد قدرت و القای نیکبختی.		گل از پهلوی	گیاهی
نماد جاودانگی، شاه، مقام سلطنت و حکومت.		درخت زندگی	

تصویر ۱۹: جدول ۱- تجزیه و تحلیل اشکال منسوجات ساسانی



فهرست منابع

- ۱-امینی، امین(۱۳۸۵)، سکه های ساسانی، تهران : ققنوس.
- ۲-امامی، مونا؛ حسامی، منصور (۱۳۹۴)، «کاربرد میراث کهن ساسانی در طراحی نشانه (مطالعه موردی دانشگاه تهران)»، هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی، پاییز.
- ۳-اوستا: کهن ترین سرودها و متنهای ایرانی (۱۳۷۱)، ترجمه جلیل دوستخواه، چاپ دهم، تهران: مروارید.
- ۴-ایرانی‌اربابی، غزاله؛ خزایی، محمد (۱۳۹۵)، «نمادهای جانوری فره در هنر ساسانی»، نگره، پاییز، ش ۴۳، ۲۹-۱۹.
- ۵-بهار، مهرداد(۱۳۷۸)؛ پژوهشی در اساطیر ایران؛ تهران؛ انتشارات آگه.
- ۶-جنونیست، امیل (۱۳۸۳)؛ دین ایرانی: بر پایه متن های معتبر یونانی؛ بهمن سر کراتی؛ تهران؛ نشر قطره.
- ۷-بهزادی، رقیه (۱۳۶۷)؛ شمار و تقدس آن در ایران باستان؛ چیستا؛ سال پنجم؛ شماره ۱۰.
- ۸-پورخالقی چترودی، مه دخت (۱۳۸۰)؛ درخت زندگی و ارزش فرهنگی و نمادین آن در باورها؛ مجله مطالعات ایرانی؛ سال اول؛ شماره ۱.
- ۹-جوادی، شهره و یستار، غف (۱۳۸۳)، عناصر منظر در هنر ساسانی، مجله باغ نظر ۳۴ ۱۶۱ (۲).
- ۱۰-دادور، ابوالقاسم؛ منصوری، الهام (۱۳۸۵)؛ در آمدی بر اسطوره ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان؛ تهران؛ انتشارات کلهر؛ دانشگاه الزهراء.
- ۱۱-ریاضی، محمد رضا (۱۳۸۲)؛ طرح ها و نقوش لباس ها و بافته های ساسانی؛ تهران؛ گنجینه هنر.
- ۱۲-سودآور، ابوالعالء(۱۳۸۴)؛ فره ایزدی در آیین پادشاهی ایران باستان؛ تهران؛ نشرنی.
- ۱۳-شایسته فر، مهناز؛ موسوی لر، اشرف(۱۳۸۲)؛ بررسی تطبیقی نگاره های منسوجات ساسانی و آل بویه.
- ۱۴-مبانی هنرهای ایرانی اسلامی؛ نشریه جلوه هنر؛ شماره ۲۲.
- ۱۵-صمدی، مهرانگیز(۱۳۶۷)، "ماه در ایران"، اشراقی، تهران.
- ۱۶-ضمیران، محمد(۱۳۸۳)، " نشانه شناسی هنر"، نشر قصه، تهران.
- ۱۷-طاهری، علیرضا(۱۳۹۴)بررسی سیر تحول مدالیون بافته های ساسانی و تأثیر آنها بر هنر اسلامی و مسیحی، هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی، ۳۹-۴۸(۱)۲۰.
- ۱۸-طالبپور، فریده. (۱۳۹۴)تأثیر نقوش ساسانی بر منسوجات آندلس، مطالعات تاریخ فرهنگی انجمن ایرانی تاریخ، سال هفتم، (۲۵) ۷۲-۴۵.
- ۱۹-غیبی، مهرآسا(۱۳۹۲)، تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، چاپ پنجم، تهران، انتشارات هیرمند.
- ۲۰-غریه، ر. دلیلو، (۱۳۱۰)، درباره هنرهای ایران، ترجمه پرویز مرزبان، تهران، انتشارات فروزان.
- ۲۱-کریمی، سعید(۱۳۸۱)؛ نمادهای آئینی؛ کتاب ماه هنر؛ خرداد و تیر.
- ۲۲-گیرشمن، رومان(۱۳۷۰)" هنر ایران در دوران پارتی و ساسانی"، مترجم بهرام فره وش، علمی فرهنگی، چاپ دوم، تهران.
- ۲۳-معین، محمد(۱۳۸۹)؛ فرهنگ معین؛ تهران؛ انتشارات سرایش.



۲۴- موسوی، زهرا؛ آیت اللهی، حبیب اللهی (۱۳۹۰)؛ بررسی نقوش منسوجات در دوران هخامنشی؛ اشکانی و ساسانی؛ فصلنامه علمی پژوهشی نگره؛ شماره ۱۷.

۲۵- نامجو، عباس و فروزانی، مهدی (۱۳۹۲)، مطالعه نمادشناسانه و تطبیقی عناصر نقوش منسوجات ساسانی و صفوی هنر علم و فرهنگ، سال اول.

۲۶- نیبرگ، هنریک ساموئل (۱۳۵۹)؛ دین های ایران باستان؛ سیف الدین نجم آبادی؛ تهران؛ انتشارات مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ ها.

۲۷- یاحقی، محمد جعفر (۱۳۸۸)؛ فرهنگ اساطیر و داستان واره ها در ادبیات فارسی؛ تهران؛ نشر فرهنگ معاصر.

1-<https://nassajiemrouz.com/uploads/>

2-www.Flickriver.com

3-<http://www.beytoote.com>، صفحه ی اول، فلز کلزی دوره ی ساسانی.

4-https://research.iaun.ac.ir/pd/mojabi/pdfs/UploadFile_2948.pdf

5-<https://www.roshdmag.ir/fa/article/>

6-<https://part.usc.ac.ir/article>



Abstract

Sasanian textiles were one of the products that were exchanged a lot, and in addition to commercial value, they had great political value as royal gifts. One of the important reasons for the value of Sassanid textiles was the existence of innovative motifs and creativity in creating designs and motifs that had an impact on textile workshops in other countries. These exchanges were one of the migration methods of Sassanid motifs and designs to the ends of the world at that time, animal, plant, geometric motifs and royal hunting scenes were generally enclosed in the circular motifs of medallions. These products formed one of the main economic axes that control production and commercialization at the same time. One of the important characteristics of Sassanid textiles is the decorative motifs used in it, which has left a deep impact on the art of different historical periods after it. Among these, we can refer to the Samanid, early Islamic, Al-Buyeh periods and... did In this research, by using the descriptive-analytical method and by collecting documentary information, and by referring to library and visual sources, the iconological examination of Sasanian period textiles has been done.

Keyword

Sassanian, motifs, textiles, symbols